

سیاست حسن همسایگی؛

راهکارها و الزامات برای سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران

سید عباس عراقچی^{۱*}

تاریخ دریافت: ۱۴۰۱/۲/۲۵

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۱/۹/۲۸

چکیده

همسایگان، محیط فوری امنیت ملی ایران را تشکیل می‌دهند و توسعه روابط همه جانبه و پایدار با همسایگان و روابط خوب همسایگی همواره یکی از مهم‌ترین راهبردها و اولویت‌های سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران بوده است. لازمه پیشبرد سیاست همسایگی نگاه متوازن و همه جانبه و پایدار است، با این حال تاریخ گویای این واقعیت است که ایران به واسطه ویژگی‌های فرهنگی، جغرافیایی و سیاسی خود معمولاً قادر نبوده است که با همسایگان خود ائتلاف کند. محیط فوری امنیت ملی ایران ظرفیت ناامن بودن دارد و ایران همواره مجبور بوده است هزینه‌های فراوانی را برای تأمین امنیت ملی و حفظ هویت ملی و سیاسی خود صرف کند. پارادایم سیاست خارجی ایران در محیط پیرامونی خود طی چند صد سال اخیر بر مبنای جستجوی امنیت قرار داشته است. این مقاله بر این است که در شرایط فعلی جهانی و منطقه‌ای، از طریق اعتمادسازی و گسترش همکاری‌های سیاسی، اقتصادی، فرهنگی و البته امنیتی، بهتر می‌توان امنیت را در محیط پیرامونی برقرار کرد. بنابراین، با روش تئینی تلاش شده است تا ضمن برشمردن منابع سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران و اصول و پایه‌های حسن همسایگی، ظرفیت‌های ایران برای پیشبرد این سیاست و مهم‌ترین چالش‌های فراروی آن مورد ارزیابی واقع گردد. در پایان نیز راهکارهایی برای عملیاتی کردن سیاست حسن همسایگی ایران ارائه شده است.

واژگان کلیدی: سیاست حسن همسایگی، محیط همسایگی، کدهای ژئوپلیتیک، اعتمادسازی، همکاری



۱. دانشیار دانشکده وزارت امور خارجه، تهران.

* نویسنده مسئول: araghchi@nimrooz.net

محیط همسایگی هر کشور خط مقدم صحنه دیپلماتیک آن است و بسیاری از کشورها بهبود ارتباطات با همسایگان را در اولویت سیاست خارجی خود قرار می‌دهند. اهمیت این موضوع با توجه به تحولات ژئوپلیتیکی کشورها و تغییر مناسبات میان آن‌ها با محیط همسایگی دوچندان می‌شود. دگرگونی در الگو و نظام بین‌المللی مرهون تحولات ژئوپلیتیکی است که در سطح منطقه و بین‌المللی رخ می‌دهد و به صورت مستقیم بر قدرت دولت در تأمین منافع و قدرت ملی تأثیر می‌گذارد. به عبارت دیگر، دامنه دگرگونی نقش کشورها در محیط همسایگی متغیر مستقل در تغییرات ژئوپلیتیکی و میزان وسعت نقش‌آفرینی آن‌ها برای تأمین منافع و برآوردن ادعاها به‌شمار می‌رود.

روابط خوب همسایگی یکی از مهم‌ترین راهبردها و اولویت‌های سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران به‌شمار می‌رود و ایران همواره خواهان حسن همجواری و همکاری در منطقه بوده است. ایران با پانزده کشور همسایه است؛ برخی از این کشورها ضعیف و بی‌ثبات هستند، برخی در حال رشد ولی به لحاظ سیاسی و امنیتی وابسته‌اند، بعضی در مسیر رشد قرار دارند اما هنوز با موضوع هویت در چالش‌اند، برخی دیگر قدرت بالقوه اقتصادی و نظامی به‌شمار می‌روند و ... تاریخ‌گویای این واقعیت است که ایران به واسطه ویژگی‌های ممتاز فرهنگی، جغرافیایی و سیاسی نتوانسته است با همسایگان خود ائتلاف کند و از این نظر کشوری خاص است.

در مقایسه با ایران، بسیاری از همسایگان آن کاستی‌های ژئوپلیتیک دارند و این وضعیت احتمالاً تا ۲۰ الی ۳۰ سال آینده ادامه خواهد داشت. برخی از این کشورها به ایران بدبین هستند و بعضاً با شوکت آن در قالب‌های مختلف سیاسی مقابله کرده‌اند. بنابراین محیط فوری امنیت ملی ایران ظرفیت ناامن بودن دارد و ایران همواره مجبور بوده است هزینه‌های فراوانی را برای تأمین امنیت ملی و رفع تهدیدها و هویت ملی و سیاسی خود صرف کند. پارادایم سیاست خارجی ایران در محیط پیرامونی خود طی چند صد سال اخیر بر مبنای جستجوی امنیت قرار داشته است و به نظر می‌رسد از طریق اعتمادسازی و گسترش همکاری‌های اقتصادی و فرهنگی در کنار مسائل امنیتی، بهتر می‌توان امنیت را در محیط پیرامونی برقرار کرد.

کدهای ژئوپلتیک ایران می‌گوید که برخورداری از روابط خوب و حسن همجواری با همسایگان، ضرورت غیرقابل انکار سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران است. اکنون سؤال اساسی این است که جمهوری اسلامی ایران چگونه می‌تواند سیاست حسن همسایگی را تحقق بخشد و ضمن کاهش تنش‌ها و اختلافات، در روابط بین خود و همسایگان گشایش ایجاد کند؟ مفروض این است که به جای صرفاً نگاه امنیتی، پیشران‌های سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران باید همه ابعاد و جوانب همکاری اعم از سیاسی، اقتصادی، امنیتی و فرهنگی را شامل شود. در عین حال ظرفیت‌ها و چالش‌های فرارو نیز می‌بایست احصا شده و برای استفاده بهینه از ظرفیت‌ها و توانمندی‌ها و رفع چالش‌ها برنامه‌ریزی‌های دقیق صورت گیرد.

۱. رهیافت نظری: کدهای ژئوپلتیک

هر حوزه منطقه‌ای با توجه به موقعیت جغرافیایی و سیاسی که برایش رقم خورده است و میزان منافع ملی که از طریق آن برایش تأمین می‌شود، از قواعد و رفتارهای به خصوصی پیروی می‌کند. با تحول ژئوپلتیکی تغییرات و دگرگونی‌هایی پویا در الگو، نظم و ساختار روابط خارجی کشورها پدید می‌آید. عامل مؤثر در این میان میزان تغییر ژئوپلتیکی و ساختار و کارکرد عوامل مؤثر در قدرت ملی و جمعی است (حافظ‌نیا، ۱۳۸۵: ۱۴۴). در این میان جایگاه کشورهای بزرگ و بااهمیت از حیث اقتصادی، تجاری، سیاسی بسیار پررنگ است و نقشی منحصربه‌فرد در الگوهای نظم-ساختار منطقه‌ای ایفاء می‌کنند (خوجم‌لی، ۱۳۹۲: ۷۲). برای درک قواعد رفتاری کشورها کدهای ژئوپلتیک آن‌ها مورد بررسی قرار می‌گیرد. این کدها مجموعه‌ای از فرضیات، برداشت‌ها و تصورات سیاسی و ژئوپلتیک هستند که همواره نقش قابل توجهی در شکل‌گیری و توجیه سیاست خارجی کشورها، تعریف منافع و علائق آنها در عرصه بین‌المللی و منطقه‌ای، شناخت تهدیدهای خارجی و پیدا کردن راه‌حلی برنامه‌ریزی شده و مدون برای برطرف کردن یا تحت کنترل در آوردن آن ایفا کرده و می‌کنند. کدهای ژئوپلتیک در حقیقت نقشه ژنتیک یک کشور هستند که در پس زمینه تصمیم‌های سیاست خارجی دولت‌ها برای تأمین منافع ملی قرار می‌گیرند و رفتار کشورها را در عرصه داخلی و

به‌ویژه خارجی با سایر بازیگران بین‌المللی با توجه به میزان دوستی-دشمنی (Dijkink, 1998: 293) تحت‌تأثیر قرار می‌دهند (سیمبر؛ شیرواند، ۱۳۹۴: ۹۷).

کدهای ژئوپلیتیک را به نوعی می‌توان چارچوب‌های جغرافیایی دانست که دولت‌ها برای تعامل با دنیای خارج از آن بهره می‌برند. این کدها از مرحله صرفاً نظری عبور کرده و درصدد ارائه یک دستورالعمل و راهکار عملیاتی و اجرایی در حوزه جغرافیایی فراتر از مرزهای دولتی هستند. متغیرهای داخلی و خارجی هر یک به نوبه خود بر محیط امنیتی و ژئوپلیتیک کشورها تأثیر می‌گذارند. به عبارت دیگر، محیط ژئوپلیتیک برآیندی از تعامل مستقیم و غیرمستقیم مؤلفه‌ها اعم از نقاط قوت و ضعف در داخل و خارج از کشور است (فاضلی‌نیا، ۱۳۸۵: ۲۱). آن عناصری که فرهنگ و رفتار ملی را ساخته و در نهایت در قالب مجموعه فرهنگ و رفتار استراتژیک یک دولت خود را نشان می‌دهد در ارتباط کامل با کدهای ژئوپلیتیک قرار می‌گیرند. از این‌رو، تجارب و گذشته تاریخی ملت‌ها و دولت‌ها، برداشت‌های نخبگانی در زمینه‌هایی چون فلسفی-معرفتی، شناختی، سیاسی، فرهنگی-اجتماعی نیز بر تعریف کد ژئوپلیتیک یک کشور تأثیرگذار است.

۱-۱. منابع کدهای ژئوپلیتیک در سیاست خارجی ایران

کدهای ژئولتیک به منزله راهی است که منافع ملی کشور را مشخص می‌کند و اعتبار آن تا زمانی است که این کارکرد را برای دولت و ملت داشته باشد. میزان اهمیت مکان‌های جغرافیایی در محیط‌های همسایگی و فراتر از آن بر همین اساس مورد ارزیابی و بررسی قرار می‌گیرند. استدلال ژئوپلیتیک با استفاده از این کدها نتیجه‌ای عملیاتی را در پی دارد که پیش‌فرض‌های سیاسی-جغرافیایی پایه‌ای و زیرساختی سیاست خارجی را شامل می‌شود (Mamdouh, 1997: 2). وجه عملیاتی و اجرایی سیاست خارجی دولت‌ها وابسته به کدهای ژئوپلیتیک است که با عناصر مذکور سنجیده می‌شوند و متناسب با آن‌ها در سلسله مراتب اولویتی روابط خارجی قرار می‌گیرند. میزان اهمیت و اولویت هر کد ژئوپلیتیک ارتباطی تام با مؤلفه‌های پیش‌گفته در راستای تأمین منافع ملی ملت‌ها و میزان کارایی آن در تنظیم و بهبودی روابط خارجی دولت‌ها با سایر بازیگران بین‌المللی دارد. این کدها در سه سطح شکل می‌گیرند:

(۱) کدهای محلی که برای همه کشورها تعریف می‌شوند و روابط دوستانه یا خصمانه هر کشوری را با همسایگان مرزی او تعیین می‌کنند.

(۲) کدهای منطقه‌ای که از سوی قدرت‌های منطقه‌ای برای تعریف منافع ملی خود فراتر از مرزهای بلافصل‌شان استفاده می‌شود.

(۳) کدهای جهانی که توسط دولت‌های دارای قدرت جهانی به کار برده می‌شوند و بر اساس آن‌ها منافع و تهدیدهای خود را در سرتاسر جهان تعریف می‌کنند.

کد ژئوپلیتیک در اثر تعامل با دیگر بازیگران بین‌المللی شکل می‌گیرد. بررسی ماهیت روابط خارجی با بازیگری بین‌المللی قبل از برقراری ارتباط و تعامل و بررسی نتایج حاصل شده پس از آن در راستای تأمین منافع و شناسایی تهدیدها (Gaddis, 1982: 5) شکل می‌گیرد. با تکیه بر این مفهوم، می‌توان چهار منبع را که تشکیل‌دهنده رفتار خارجی دولت جمهوری اسلامی ایران است، شناسایی کرد:

(۱) موقعیت جغرافیایی ایران و همسایگی بلافصل با ۱۵ کشور از چهار جهت خاورمیانه، قفقاز جنوبی، آسیای مرکزی و آناتولی (آسیای صغیر) و همچنین ظرفیت حاصل شده از قبل آن در حوزه‌های اقتصادی، سیاسی و فرهنگی جایگاه ممتازی را از لحاظ جغرافیایی و قرار گرفتن در کریدور شرق و غرب، و شمال و جنوب، به ایران بخشیده است. اصل همسایگی در قالب همکاری و تلاش برای تشکیل روابط دوستانه مستحکم و همکاری‌جویانه پایدار مصداق پیدا می‌کند. در این بعد از روابط بر ارزش‌ها و منافع مشترک و ضرورت کاهش یافتن تنش‌ها و تعارضات در حوزه‌های مختلف روابط خارجی منطقه‌ای تأکید می‌شود. جمهوری اسلامی ایران به لحاظ تنوع جغرافیایی (همسایگان زمینی و دریایی) و هم‌چنین تنوع سیاسی و استراتژیک همسایگان نیز از موقعیت ممتازی برخوردار است. تسلط بر تنگه هرمز که بر اساس آمارها روزانه حدود ۱۸ میلیون بشکه نفت معادل ۳۹ درصد نفت صادراتی دنیا از آن عبور می‌کند، از جمله مثال‌های همین موقعیت ممتاز جغرافیایی است. موفقیت جمهوری اسلامی ایران در سیاست‌های همسایگی به میزان توانایی آن در تقویت جوانب مختلف مناسبات خود با مقامات و مردم کشورهای منطقه در محیط همسایگی و پیرامونی بستگی دارد. رعایت این مسأله از تمرکز تمام قوا و ظرفیت‌های دستگاه دیپلماسی خارجی ایران بر یک منطقه

جغرافیایی خاص جلوگیری می‌کند و به عکس با رعایت اصول «دیپلماسی متوازن» سعی در تأمین نیازها و برآورده شدن اهداف مختلف خود دارد (توکلی؛ برزگر، ۱۴۰۰: ۴). کشوری با این تعداد همسایه و با داشتن موقعیت ژئوپلیتیک و ژئواستراتژیک قادر است وزن خود را با مراعا داشتن «همکاری متقابل» در روابط بین‌المللی و منطقه‌ای افزایش دهد. منابع عظیم انرژی و قرابت جغرافیایی با غنی‌ترین منابع انرژی جهان در شمال و جنوب کشور، موقعیت منحصر به فردی به ایران داده و آن را به یکی از بازیگران انرژی در سطح بین‌المللی تبدیل کرده است. بازارهای جهانی نفت و گاز که طیفی از تحولات منطقه‌ای و فرامنطقه‌ای را شامل می‌شوند، فضای گسترده‌ای از قابلیت‌های اقتصادی و تجاری را فراروی کشورها می‌گشایند. موقعیت ژئوپلیتیکی ویژه ایران در منطقه خاورمیانه و دریای خزر در حوزه انرژی، وابستگی پایه‌های اصلی اقتصاد کشورهای توسعه یافته به انرژی نفت و گاز و نیازهای جهانی به ذخایر معدنی و هیدروکربوری موجود از یک طرف و قرارگرفتن جمهوری اسلامی ایران در مرکز بیضی استراتژیک هیدروکربوری جهان در خاورمیانه و آسیای میانه، که منبع اصلی تغذیه انرژی جهان به شمار می‌رود و بخش قابل توجه منابع نفت و گاز جهان را در خود جای داده است، از طرف دیگر موقعیت جمهوری اسلامی ایران را از لحاظ دسترسی و تسلط بر منابع نفت و گاز و راه‌های انتقال آن، منحصربه‌فرد می‌کند. کشور ایران با دارا بودن بیش از ۱۳۰ میلیارد بشکه نفت قابل استحصال و ۲۷ تریلیون مترمکعب گاز، و با محاسبه ارزش ذخایر هیدروکربوری کشور در حدود سه هزار میلیارد دلار، آن هم در حالی که هنوز درپهنه گسترده‌ای از ایران زمین (یعنی ۸۰٪) عملیات اکتشافی صورت نگرفته است، دارای نعمت‌های سرشار الهی در منطقه، بلکه جهان است و در صورتی که منابع هیدروکربوری کشور به درستی هدایت و مدیریت شوند می‌تواند توسعه همه جانبه کشور را به دنبال داشته و نقش مهمی را در ظهور تمدن بزرگ ایران اسلامی را ایفاء کند. باوجود این، این حوزه می‌تواند طیف گسترده‌ای از تهدیدها را نیز علیه امنیت اقتصادی و سیاسی کشور در بازه‌های کوتاه‌مدت و بلندمدت بگشاید. اقتصاد ایران در حال حاضر به میزان زیادی وابسته به فروش انرژی است. چنانچه کشور بتواند خود را

۱. به استناد گزارش مدیر فنی شرکت عملیات اکتشافات

از اقتصاد تک محصول رها و خود را از نظر محصولات و فرآورده‌های انرژی فسیلی متنوع سازد، ارزش افزوده بیشتری را کسب و ضمن رهایی از خام‌فروشی سرمایه مکتسبه را صرف توسعه همه‌جانبه اقتصادی و صنعتی کشور به‌کار خواهد برد. ایران در بازار تأمین نفت و گاز کشورهای منطقه و فرامنطقه با رقبای قدرتمندی چون آمریکا، عربستان، عراق، ونزوئلا روبرو است و از دست دادن بازارهای جهانی با توجه به تک‌محصولی بودن اقتصاد ایران، ضربات جبران‌ناپذیری را به دنبال دارد. از طرفی، قدرت چانه‌زنی اقتصادی را در بازارها و سطح مبادلات منطقه‌ای و جهانی از ایران سلب می‌کند و از طرفی دیگر، در صورت اختلال در تقاضا و همچنین تأمین منابع نفت و گاز کشور را در مرحله «گذار انرژی» با چالش‌هایی جدی مواجه می‌سازد (خداپرست پیرسرایبی، بی‌تا: ۴۷ و ۵۰).

(۲) هویت دینی، ملی و سرزمینی ایرانیان همواره موجب تعلق خاطر عمیق آنان به کشورشان بوده است. برخلاف بسیاری از کشورهای منطقه که به راحتی با فرهنگ بیگانه منطبق یا حتی در آن هضم شده‌اند، ایرانی‌ها همواره در برابر پذیرش فرهنگ‌های غیرخودی مقاومت کرده‌اند. حتی این طیف گسترده از تفاوت فرهنگی و زبانی برخلاف جوامع دیگر، سبب علقه بیشتر میان اقوام ایرانی و زمینه‌سازی زیست مسالمت‌آمیز آنها شده است؛ نمونه بارز این اتحاد و همبستگی حفظ زبان فارسی علی‌رغم هجوم بیگانگان می‌باشد. در میان تمدن‌های قدیمی این تنها ایران است که به قول ریچارد فرای «خم شد، اما نشکست». اصولاً شکل‌گیری نهضت‌های فکری، دینی و روشنفکری در ایران محصول تعامل و تعاطی افکار فلسفی، دینی، فرهنگی آنان با غرب و نه صرفاً تبعیت از غرب بوده است. تاریخ غنی ایران هویت‌های گوناگونی را در خود جای داده است، ولی هیچگاه شاهد منازعه طولانی میان این هویت‌ها نیستیم؛ بلکه مردم ایران سعی کرده‌اند تا با جذب و هضم فرهنگ‌ها در یکدیگر، هویت واحدی را شکل دهند (کریمی؛ مؤذن، ۱۳۸۹: ۳۸). بنابراین جامعه ایرانی از استقلال هویت ملی برخوردار است که آن را با جوامع هم‌عرض دیگر متمایز می‌نماید. لذا یکی از مهم‌ترین چالش‌های جمهوری اسلامی ایران این بوده است که چگونه در عین حفظ هویت دینی، ملی و استقلال خود از امکانات، فن‌آوری و سرمایه غرب استفاده کند. ایرانیان هیچ‌گاه با غرب علمی، غرب



تکنولوژیک و غرب اقتصادی مشکل نداشته‌اند؛ اما در برابر سلطه سیاسی، فلسفی و اجتماعی غرب و استثمار اقتصادی آن ایستاده‌اند و این ناشی از تعلقات تاریخی ایرانیان به هویت دینی، ملی، استقلال سرزمینی خود می‌باشد.

(۳) گرایش ایرانیان به علم، فن‌آوری و نوآوری یکی از ویژگی‌های اصیل آن‌ها است. در تاریخ و تمدن ایران سه دوره فرهنگی را می‌توان مشاهده کرد؛ دوره اول از زمان ساسانیان تا صفویه که ایرانیان تولیدکننده و صادرکننده علم و فرهنگ بوده‌اند، دوره دوم از صفویه تا سلسله قاجاریه که ایرانیان مصرف‌کننده علم و فرهنگ خود بوده‌اند و دوره سوم از زمان قاجار تاکنون که ایرانیان عمدتاً واردکننده و مصرف‌کننده علم، دانش و تکنولوژی بیرونی بوده‌اند. عموم ایرانیان علیرغم داشتن گرایش‌های متفاوت مذهبی، معنوی، اخلاقی، عرفانی و حماسی علاقه‌مند به پیشرفت و ترقی و برخورداری از زندگی مدرن و متمدن هستند و هیچ‌گاه در انطباق آن‌ها با یکدیگر مشکل نداشته‌اند. رفتار ایران در سیاست خارجی نمی‌تواند فارغ از کدهای ژئوپلیتیک یا نقشه ژنتیک جغرافیایی سیاسی ایران باشد. طبعاً روابط با همسایگان نیز در همین چهارچوب قابل ترسیم و بررسی است.

۲. سیاست حسن همسایگی

اهتمام دولت‌ها به توسعه روابط خود با کشورهای منطقه در محیط همسایگی به منظور تقویت رفاه، ثبات و امنیت کشورهای منطقه و جلوگیری از بروز و تأثیر عوامل و عناصر جداکننده در این محیط است (صباغیان، ۱۴۰۰: ۳۷) که در نهایت به حفظ امنیت و بقا خود کشورها منجر می‌شود.

در ادبیات رایج روابط بین‌الملل اصول حسن همسایگی معمولاً چنین برشمرده می‌شود:

- احترام به حاکمیت و تمامیت سرزمینی همسایگان
- احترام متقابل با رویکرد مبتنی بر حسن نیت
- دستیابی به امنیت از طریق همکاری و حل و فصل مسالمت‌آمیز اختلافات
- همکاری برای مقابله با تهدیدهای مشترک (تروریسم، تغییرات آب و هوایی، اپیدمی‌ها و ...)
- همکاری‌های فراگیر اقتصادی و ایجاد سازوکارهای همگرایی اقتصادی منطقه‌ای

- طراحی تدابیر اعتمادسازی منطقه‌ای و مشارکت مسئولانه
- حرکت به سوی یک چارچوب همکاری فراگیر منطقه‌ای
- توسعه تعاملات فرهنگی و آموزشی و آشنایی با فرهنگ‌های بومی
- ایجاد سازوکارهای مشترک برای حل و فصل اختلافات منطقه‌ای
- حمایت از توسعه پایدار و متوازن از طریق همکاری‌های اقتصادی و تجاری

با توجه به این اصول و مبانی، سیاست حسن همسایگی برای جمهوری اسلامی ایران هم از ظرفیت‌های فراوانی برخوردار و هم با چالش‌هایی مواجه است. مهم‌ترین ظرفیت‌های ایران برای پیشبرد سیاست حسن همسایگی را می‌توان در موارد زیر برشمرد:

ظرفیت فرهنگی و تمدنی: ایران و همسایگانش از عناصر فرهنگی و تمدنی مشترک برخوردارند. به عنوان یک شاخص هر کجا نوروز را جشن می‌گیرند تحت تأثیر فرهنگ و تمدن ایران است. تمدن دیرینه و غنی ایران و گستره جغرافیایی آن در طول تاریخ ظرفیت بزرگی را برای ارتباطات مطلوب همسایگی فراهم کرده است که باید از این ظرفیت‌ها استفاده کرد. امروزه دولت‌ها از ارتباط میان فرهنگ، دانش و قدرت به عنوان ابزاری برای کنترل قوای موجود و پیشبرد اهداف خود در سطح منطقه‌ای و بین‌المللی بهره می‌گیرند. دیپلماسی فرهنگی و دیپلماسی علمی از شاخه‌های نوین دیپلماسی عمومی به‌شمار روند که از طریق نهادهای دولتی و کارگزاران حکومتی (ایزدی؛ خادم‌زاده، ۱۳۹۸: ۱۵۴) و نیز نهادهای مردمی و غیردولتی در فضای سیاست خارجی حرکت می‌کنند.

ظرفیت انرژی: قرار گرفتن ایران و کشورهای همسایه در منطقه‌ای سرشار از منابع انرژی زمینه را برای همکاری در یک موضوع مشخص اقتصادی فراهم کرده است. هرچند این موضوع رقابت میان همسایگان و نیز زمینه مداخلات قدرت‌های خارجی را نیز فراهم کرده است، بسیاری از همسایگان ایران می‌توانند نیازهای انرژی خود را از این کشور تأمین کنند. تداوم رشد اقتصاد جهانی نیازمند تأمین انرژی است و مطالعات مختلف حاکی از آن است که منابع هیدروکربوری تا سال ۲۰۵۰ همچنان به عنوان عمده‌ترین منابع تأمین انرژی جهان باقی خواهند ماند.



بررسی روند این منابع و توزیع جغرافیایی آن‌ها نشان می‌دهد تا افق ۲۰۲۵ میلادی پنج کشور حوزه خلیج فارس شامل جمهوری اسلامی ایران، عربستان سعودی، کویت، عراق و امارات متحده عربی از عمده‌ترین تولیدکنندگان نفت در منطقه خلیج فارس و کشورهای ایران، روسیه و قطر از تولیدکنندگان اصلی گاز در دنیا خواهند بود. این موقعیت مکانی منحصربه‌فرد با این حجم از منابع فسیلی موجود و توان بالای استخراج نفت و گاز ظرفیت ویژه‌ای را در زمینه دیپلماسی انرژی برای ایران فراهم می‌سازد. دولت با استفاده از ابزار دیپلماسی انرژی به پیشبرد برنامه‌ها و اهداف خود در سیاست‌های مالی و اقتصادی و به علاوه برطرف ساختن محدودیت‌ها و موانع استخراج، بازاریابی، گمرکی و سرمایه‌گذاری (متقی؛ پوستین‌چی، ۱۳۸۹: ۱۵) می‌پردازد. در کنار این کشورها، روسیه نیز دارای ذخایر عظیم گازی است و با تأثیرگذاری به‌سزا بر بازارهای جهانی می‌تواند وابستگی متقابل کشورهای اروپایی به خود را ایجاد کند. البته در این میان نباید از نقش آمریکا در تولید انرژی فسیلی غافل بود.

امروزه با رخداد بحران اوکراین صادرات گاز طبیعی مایع (LNG) از آمریکا به کشورهای اروپایی و حتی حوزه آسیای شرقی مانند ژاپن و کره جنوبی بیشتر شده تا این کشورها بتوانند وابستگی خود به روسیه را کاهش دهند. در حوزه آمریکای لاتین نیز باید به کشور ونزوئلا و شرکت «پتروئوس دی» آن اشاره کرد که روزانه به طور متوسط ۳/۳ میلیون بشکه نفت خام تولید می‌کند. با بهبود روابط کاراکاس-واشنگتن این میزان از تولید و صادرات افزایش یافته است. این در حالی است که برآوردها نشان می‌دهد سیر میزان تولید نفت و گاز برای ایران طی بازه زمانی چهارساله نزولی خواهد بود (جهرمی؛ طاهری‌فرد، ۱۳۸۸: ۱۳۷) با این حال، ایران با برخورداری از جایگاهی ممتاز در حوزه ذخائر انرژی (گاز و نفت) در جهان می‌تواند در یک همکاری بلندمدت به بازار انرژی جهانی متصل شود و به تأمین انرژی همسایگانش کمک کند. در میان همسایگان ایران ترکیه و عراق به جهت اهمیت تأمین نیاز دو کشور و ضرورت از دست ندادن بازارهای آن اولویت دارند.

ظرفیت ترانزیتی: ایران در مسیر ترانزیتی مناسبی (زمینی، دریایی و هوایی) شرق-غرب، شمال - جنوب قرار داشته و از مزیت‌های خوبی برخوردار است. این مزیت‌ها

می‌تواند در خدمت حسن روابط همسایگی قرار گیرد. تقویت زیرساخت‌های ارتباطی و حمل و نقل می‌تواند به بهبود جریان آزاد کالا، مردم، انرژی، و سرمایه کمک کند تا به ارتقای حسن همسایگی بیانجامد. لازم است ایران با سرمایه‌گذاری در حوزه‌های ترانزیت و حمل و نقل، اعم از زمینی، ریلی، دریایی و هوایی، ظرفیت‌های کریدوری و ترانزیت بین‌المللی را با همکاری همسایگانش ارتقا بخشد.

کشور ایران از لحاظ جغرافیایی محل تلاقی سه قاره آسیا، اروپا و آفریقا است. از یک طرف کریدور شرق به غرب و از سوی دیگر کریدور شمال به جنوب این اتصالات را می‌تواند برقرار کند. وجود راه‌آهن سراسری و زیرساخت‌های حمل و نقل جاده‌ای مناسب مانند بزرگراه‌ها و آزادراه‌های فراوان، دسترسی به آب‌های آزاد بین‌المللی، اتصال بندرگاه‌های اصلی به شبکه ریلی و جاده‌ای برخوردار از امنیت بالا و مطلوب، ظرفیت مناسبی برای ایران به عنوان یکی از اصلی‌ترین گزینه‌های حمل و نقل و ترانزیت کالاها ایجاد کرده است. به فعلیت رساندن این ظرفیت‌ها یک ضرورت جدی است.

ظرفیت اقتصادی: ایران می‌تواند مکمل اقتصادی کشورهای منطقه باشد. بازار ایران یکی از جذاب‌ترین و سودآورترین بازارهای خاورمیانه است و توسعه مبادلات تجاری با کنشگران دولتی و غیردولتی تأثیری فزاینده در تراز اقتصادی کشور دارد (نقدی و دیگران، ۱۴۰۰: ۱۲۳۲) بهره‌برداران از ظرفیت‌های اقتصادی کشور در قالب الگوی وابستگی متقابل اقتصادی علاوه بر نهادینه ساختن مناسبات اقتصادی ایران با کشورهای همسایه و کاهش تنش با آنها، باعث تحکیم امنیت کشور به ویژه امنیت اقتصادی آن می‌شود. بازار بزرگ بیش از پانصد میلیونی در منطقه نیز ظرفیت بزرگی برای همکاری‌های اقتصادی به شمار می‌رود.

کشور پهناور ایران از تنوع جغرافیایی مطلوبی برخوردار است که هم از جهت منابع طبیعی و کشاورزی و هم معادن زیرزمینی غنی است. به‌عنوان مثال، برآورد شده است که ایران با قرار گرفتن بر روی یکی از کمربندهای اصلی کوهزایی جهان، دارای ۱۰۴ میلیارد تن ذخیره احتمالی انواع مواد معدنی است که ۷ درصد معادن جهان را تشکیل می‌دهد. تنوع این معادن بیش از ۶۴ نوع ماده معدنی را شامل می‌شود، از جمله ۶ درصد منابع

مس، ۳/۵ درصد منابع سرب و روی، ۱۰/۵ درصد منابع زغال سنگ و ۲ درصد منابع سنگ آهن.

ظرفیت جمعیتی: جمعیت ایران از اغلب همسایگان خود بیشتر است (به استثنای پاکستان، روسیه و جمعیت برابر با ترکیه). جمعیت ایران دربرگیرنده اقوام و زبان‌های مختلف است که قابلیت ارتباط با همسایگان را دارند. این موضوع می‌تواند ابزاری برای همگرایی یا برعکس زمینه‌ای برای تنش‌آفرینی باشد.

ظرفیت علمی و فناوری: ایران از سطح علمی بالایی در منطقه برخوردار است و ظرفیت این کشور در حوزه علم و فناوری فوق‌العاده است. در بسیاری از حوزه‌های دانش‌بنیان، حتی امکان صادرات محصولات آن نیز فراهم شده است. پیشرفت‌های ایران از جمله در حوزه‌های پزشکی، فن‌آوری‌های زیستی، فن‌آوری‌های نانو و... با گشودن درهای دیپلماسی علمی می‌تواند نیازهای همسایگان را برآورده کند. نیروی انسانی خلاق و نوآور کنونی، اقتصاد آینده کشور را متحول خواهد کرد. امروزه بزرگ‌ترین شرکت‌های حوزه فن‌آوری ارتباطات و اطلاعات در منطقه متعلق به ایران است.

هم اکنون بیش از ۷۳۰۰ شرکت دانش‌بنیان در کشور فعال هستند. دستیابی کشور به فن‌آوری‌های نوین در زمینه‌های مختلف مانند تجهیزات پزشکی، دارویی و هوا-فضا ثمره همین توجه به حوزه علم و فناوری است. ایران امروز رتبه چهارم نانوتکنولوژی را در دنیا دارد و در زمینه دانش زیست فن‌آوری حائز جایگاه نخست در منطقه است. در حال حاضر تعداد دانشجویان کشورمان حدود سه و نیم میلیون نفر است و تعداد قابل توجهی از آن‌ها دانشجوی مقاطع تحصیلات تکمیلی هستند. این تعداد دانشجو سرمایه بزرگی برای کشور به خصوص در عرصه علم و دانش به شمار می‌روند.

ظرفیت مذهبی و معنوی: ایران مأمّن و مقصد شیعیان جهان و دوستان اهل بیت عصمت و طهارت است و این ویژگی ظرفیت مناسبی را برای همکاری با کشورهای در حوزه همسایگی که جمعیت شیعه بالایی دارند ایجاد می‌کند. علاوه بر اماکن متبرکه، اماکن فرهنگی و معنوی نظیر مقبره‌های شعرای به نام و مشهور نظیر حکیم فردوسی، حافظ، سعدی و... نیز ظرفیت خوبی برای ایران دوستان و علاقمندان کشورهای همسایه به فرهنگ و ادبیات کشور است. داشتن تاریخ و تمدنی کهن با غنای فرهنگ

اسلامی و دینی و وجود آثار تاریخی مناسب فرهنگی و دینی در کشور و قابلیت صدور کالاهای فرهنگی و دینی به فراسوی مرزها به جمهوری اسلامی ایران جایگاه ویژه‌ای جهت تعاملات فرهنگی - تمدنی (ایرانی-اسلامی) می‌بخشد.

ظرفیت مقاومت: جمهوری اسلامی ایران نشان داده که از ظرفیت مقاومت در برابر رژیم صهیونیستی و طرح‌های آمریکا در منطقه برخوردار بوده و این ظرفیت باعث افزایش قدرت و اقتدار ایران شده است. مقاومت جمهوری اسلامی ایران در منطقه غرب آسیا با بهره‌گیری از فرهنگ شیعی منجر به شکل‌گیری محور مقاومت شده است که همانند محور «صدور انقلاب» (Uzun, 2011: 1-35) به طور فزاینده‌ای در تعارض با سیاست خارج‌غرب خصوصاً ایالات متحده آمریکا قرار می‌گیرد. اساساً ایستادگی در برابر سلطه‌طلبی و زورگویی‌های آمریکا و تجاوزات رژیم صهیونیستی عنصر مهمی در نظام سیاسی ایران به شمار می‌رود.

ظرفیت تعامل و گفتگو: ایران نشان داده که اهل تعامل و گفتگو است. فرهنگ و سابقه تمدنی معاصر ایران نیز گواه این مدعا است. بر اساس سند چشم‌انداز در افق ۱۴۰۴ ایران دارای تعامل سازنده و مؤثر با جهان بر اساس اصول قانون اساسی و رعایت مبانی عزت، حکمت، مصلحت و اقتدار در روابط خارجی است. بنابراین هر کوششی برای برنامه‌ریزی و توسعه اقتصادی در سطح داخلی کشور به گونه‌ای اجتناب‌ناپذیر تنها در تعامل و حل و فصل اختلافات بدون ورود ضرر و زیان به هر یک از طرف‌های مبادله تجاری (زارع؛ ابراهیمی‌رادمندی، ۱۳۹۷: ۸۱) با محیط‌های بزرگ‌تر به ویژه کشورهای همسایه و منطقه معنا و مفهوم پیدا می‌کند. ضمن آن که تعامل با دنیای خارج به ویژه کشورهای همسایه بر اساس احترام به قواعد و هنجارهای بین‌المللی و اصل عدم مداخله در امور دیگران و ادامه پرهیز از بروز تنش در روابط با کشورها می‌تواند زمینه اعتمادسازی را نیز فراهم کند.

باوجود ظرفیت‌هایی که گفته شد، ارتقاء کیفی و کمی جایگاه ایران در این عرصه منوط به کارآمدی دستگاه دیپلماتیک است. غربالگری نقاط ضعف و قوت فعالیت‌های کارگزاران دولتی ایران کارآمدی دستگاه روابط خارجی دولت را تضمین می‌کند. در سیاست خارجی، هرگاه انسجام راهبردی میان طراحان و بازیگران دیپلماسی و همسویی

با مصالح عالی نظام و منافع ملی وجود داشته باشد، عنصر کارآمدی دیپلماتیک محقق می‌شود (دلاورپور، ۱۴۰۱: ۴).

از سوی دیگر، در سیاست خارجی و موضوع تحقیق حاضر، سیاست حسن همسایگی با چالش‌هایی مواجه است که مهم‌ترین آن‌ها عبارتند از:

آمریکا و سیاست‌های سلطه‌طلبانه آن در منطقه: مقاومت در برابر سلطه و استکبار جهانی که در رأس آن‌ها آمریکا قرار دارد، از پایه‌های سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران است. حضور آمریکا در منطقه برخلاف منافع ملی است و همین امر چالشی جدی در سیاست همسایگی ایران ایجاد کرده و مانع پیشبرد آن می‌گردد. بزرگ‌ترین تهدید فرامنطقه‌ای در این منطقه حساس و استراتژیک از سوی ایالات متحده آمریکا است. آمریکا با تداوم حضور خود در منطقه و ایجاد روابط با دول همسایه ایران در شمال، جنوب، شرق و غرب در صدد ایجاد فضای ایران‌هراسی و تنش‌زا در روابط ایران با همسایگانش است. مخالفت ایران با طرح آمریکا درباره خاورمیانه بزرگ، مقابله با رژیم صهیونیستی و پی‌گیری عزت‌مدارانه پرونده هسته‌ای و... منجر به ناکامی آمریکا و متحدانش شده است. استراتژی آمریکا در منطقه خاورمیانه در قبال ایران مبتنی بر محدود ساختن و منزوی کردن و به طور کلی حذف ایران از معادلات منطقه‌ای است و برای رسیدن به این مهم و نیز تسلط بر منابع اقتصادی و موقعیت استراتژیکی منطقه از تمامی ابزارهای ممکن استفاده می‌کند.

رژیم صهیونیستی: رژیم صهیونیستی به‌عنوان یک موجودیت اشغالگر و غاصب که در منطقه از متحدان اصلی آمریکا به شمار می‌رود، مهم‌ترین چالش سیاست حسن همسایگی محسوب می‌شود. سیاست حضور و نفوذ آن رژیم در کشورهای همسایه و پیرامونی ایران، که امروزه به شدت از سوی این رژیم دنبال می‌گردد، مانع جدی در پیشبرد سیاست همسایگی کشورمان و در تعارض با منافع ایران در ارتباط با کشورهای همسایه است. به ویژه بعد از سیاست «خروج از انزوا» و طرح به اصطلاح ابراهیم، این رژیم مسیر جدی‌تری را برای حل مشکلات خود با کشورهای مسلمان و دولت‌های عربی، و «عادی‌سازی» روابط با آنها اتخاذ کرده است (اختیاری امیری؛ محمدی، ۱۴۰۰: ۱۳۷)، سیاستی که باید آن را در حقیقت نه «عادی‌سازی» که «هم‌پیمان‌سازی» کشورهای

منطقه با رژیم صهیونیستی دانست. وجود رژیم اشغالگر قدس و تلاش آن برای توسعه نفوذ خود در کشورهای همجوار، رودررو قرار دادن این کشورها با جمهوری اسلامی ایران و همکاری گسترده نظامی کشورهای منطقه با ناتو چالش‌های جدی را فراروی جمهوری اسلامی ایران قرار داده است.

محیط پرمنازعه: محیط پیرامونی ایران پرمنازعه و مملو از اختلافات ریشه‌دار است. همسایگان ایران از جهات گوناگون، اعم از سیاسی یا نوع حکومت و همچنین از جهات اقتصادی، فرهنگی و مذهبی و اجتماعی با وجود داشتن اشتراکات زیاد، بسیار ناهمگونند و این امر می‌تواند زمینه‌های اختلاف و منازعه را افزایش دهد و محیطی پرچالش را ایجاد نماید که نیاز به کار و فهم مشترک در عین تفاوت است.

وابستگی سیاسی و امنیتی تعدادی از کشورهای منطقه به غرب: برخی از همسایگان ایران از نظر سیاسی و امنیتی وابسته به غرب هستند و گاهی به دلیل روبرو بودن با بحران مشروعیت و عدم ثبات سیاسی، به پایگاهی محکم و متحدی استراتژیک برای آمریکا تبدیل شده‌اند. البرادعی، مدیر کل اسبق آژانس بین‌المللی انرژی اتمی، در مقاله‌ای متذکر می‌شود که هویت اصلی ملت‌های عرب‌زبان که در قالب «اتحادیه عرب» تجسم یافته است، به «مرگ بالینی» دچار است. نظام امنیتی بسیاری از کشورهای عربی دگرگون شده و در غالب موارد به نیروهای خارجی وابسته شده است (پایگاه خبری تسنیم، ۱۳۹۹).

علاوه بر این پیشینه روابط نه چندان موفق ایران و این دولت‌ها همواره راه را برای حضور دشمنان ایران در این منطقه باز کرده است. کشورهای حاشیه خلیج فارس به علت وابستگی عمیق به درآمدهای نفتی شدیداً در مقابل نوسانات قیمت نفت آسیب پذیر هستند. علاوه بر مشکلات اقتصادی از جمله عوامل بی‌ثباتی این دولت‌ها وابستگی شدید آن‌ها به دولت‌های خارجی است. یکی از مهم‌ترین ویژگی‌های ژئوپولیتیکی کشورهای نفت‌خیز خاورمیانه تکیه زمامداران این کشورها به متحدان خارجی است. این عامل مهم و خلأ ژئوپولیتیک ناشی از آن موجب گردیده است تا هیچ یک از این کشورها از یک امنیت پایدار همه‌جانبه برخوردار نبوده و در هر تغییر و تحول استراتژیکی به سرعت دچار بحران می‌شوند.



بین‌المللی بودن ایران: جغرافیای سیاسی ایران به‌گونه‌ای است که از آن یک بازیگر بین‌المللی ساخته است. تصمیمات و رفتارهای ایران در منطقه امنیت و منافع کشورهای بزرگ را تحت‌تأثیر قرار می‌دهد. البته بین‌المللی بودن یک امر مثبت و یک فرصت است، اما چالش‌هایی را نیز به همراه دارد. حساسیت‌های امنیتی-سیاسی حاکم بر منطقه-به‌ویژه نزدیکی جغرافیایی ایران به اسرائیل که امنیت آن رژیم به لحاظ استراتژیکی برای آمریکا از اهمیت زیادی برخوردار است، همچنین موقعیت ژئواستراتژیک، نیروی انسانی کارآمد، منابع سرشار انرژی و ظرفیت‌های بالقوه و بالفعل رشد و توسعه ایران که کشور ما را در کانون توجه قدرت‌های بزرگ قرار داده است، به حدی بوده که حتی بی‌طرفی ایران در خصوص مسائل منطقه‌ای و بین‌المللی برای قدرت‌های بزرگ رضایت‌بخش و قانع‌کننده نبوده و نیست.

ساختارهای ضعیف اقتصادی (حمل و نقل - ارتباطات): اقتصاد ایران و زیرساخت‌های آن هنوز در سطحی نیست که با کشورهای اطراف از لحاظ تجاری، اقتصادی و سرمایه‌گذاری وابستگی متقابل ایجاد کند. امروزه نقش قدرت در سیاست خارجی با موضوعاتی همچون ابتکار، نوع آوری، خلاقیت و سهمی از بازار معنی پیدا می‌کند. متقابلاً کشورهای همسایه نیز از ساختارهای اقتصادی قوی و توسعه‌یافته‌ای برخوردار نیستند. هرچند در برخی موارد پیشرفت‌هایی در بعضی از جنبه‌های زندگی اجتماعی و اقتصادی منطقه صورت گرفته که عمدتاً تحت‌تأثیر درآمدهای سرشار نفتی بوده است؛ ولی این امر دال بر وجود ساختارهای اقتصادی نیرومند و در نتیجه توسعه‌یافتگی اقتصادی نیست.

سیاست ایران‌هراسی: جریان آمریکایی - صهیونیستی در پیشبرد پروژه ایران‌هراسی و خلق تهدید از سوی ایران طی ۴۰ سال گذشته به شدت فعال بوده و از هیچ کوششی برای ارائه تصویری امنیتی و تهدیدآمیز از ایران در جهان دریغ نکرده است. کشورهای اروپایی نیز همواره برای سد مسیر توسعه نفوذ ایران در کشورهای خاورمیانه و محیط‌های فراتر از آن متمایل بوده و اقدام کرده‌اند (Adebahr, 2020: 3,4). این جریان همواره از سیاست ایران‌هراسی برای پیشبرد اهداف متعددی چون به حاشیه راندن ایران،

ایجاد اختلال در تعاملات منطقه‌ای و بین‌المللی و همچنین توجیهی جهت ایجاد ائتلاف برای اعمال فشار حداکثری علیه ایران استفاده کرده است.

زدودن «تصور تهدید» و این که می‌توان بطور مسالمت‌آمیز اختلافات را با هم حل و فصل کرد، بخشی از راه رفع ایران‌هراسی می‌تواند باشد. سنی و شیعه در طول قرن‌ها همزیستی مسالمت‌آمیز داشته‌اند و ایران‌هراسی، شیعه‌هراسی، سنی‌هراسی و همسایه‌هراسی مجعول و ساخته بیگانگان است. قطعاً سوء تفاهمات را می‌توان از طریق گفتگو و مذاکره حل و فصل کرد. ایران‌هراسی پروژه‌ای است که بر مبنای بزرگ‌نمایی برخی از واقعیت‌های موجود در منطقه خاورمیانه شکل گرفته است. در این پروژه این گونه القا می‌شود که در صورت قدرت‌یابی جمهوری اسلامی ایران، کشورهای منطقه مجبور به تقبل هزینه‌هایی کلان بشوند.

مذهب و قومیت: تنوع مذهب و قومیت در منطقه در عین حال که ظرفیتی برای همکاری و همگرایی ایجاد می‌کند می‌تواند تهدیدزا نیز باشد؛ به خصوص زمانی که به موضوعات امنیتی تبدیل می‌شوند. طیف گسترده‌ای از تراکم قومیت‌های مختلف در مناطق گوناگون کشور، اجرای الگوی توسعه تمرکزگرا و توسعه نامتوازن منطقه‌ای، تنوع و تحول مستمر در مطالبه‌گری از زمره مؤلفه‌هایی است که سبب تهدیدآفرینی مذاهب و اقوام می‌شوند (پژوهشکده مطالعات راهبردی، ۱۴۰۰: ۱۵۱). حوزه پیرامونی ایران از این چالش‌ها کم ندارد.

جمهوری اسلامی ایران کشوری با قومیت‌های متنوع است. ایران دارای شش قوم رسمی (فارس، ترک، کرد، عرب، بلوچ و ترکمن) است و موقعیت جغرافیایی اقوام معادله امنیت ملی را پیچیده‌تر کرده است. اقوام مختلف و اقلیت‌های مذهبی در حساس‌ترین حوزه‌های راهبردی کشور و جداره‌های مرزی اسکان یافته‌اند که عقبه آنان در ورای مرزها و بیرون از حوزه نفوذ و حاکمیت ملی قرار دارد و شیب برخی از این حوزه‌ها به خارج از کشور است. امروزه بخشی از اقوام ترک، کرد، بلوچ و عرب در ایران و بخشی از آن‌ها در مناطق دیگر کشورها ساکن هستند. هرچند وجود این اقوام در همسایگی ایران می‌تواند مایه ارتباطات فرهنگی باشد ولی در مقابل، موجب دخالت و سوءاستفاده بیگانگان گردد.



جاه طلبی‌های برخی کشورها در منطقه: همواره بین کشورهای منطقه رقابتی پنهان و آشکار وجود داشته و جاه‌طلبی و قدرت‌طلبی برخی رهبران منطقه باعث شده است تا منطقه کمتر روی آرامش به خود ببیند. این نوع جاه‌طلبی‌ها موجب رقابت‌های سیاسی-امنیتی ناسالم در منطقه شده است و زمینه‌های همگرایی و همکاری را کاهش داده یا از بین برده است. این تلقی، در مقابل آن باور کلی به «گره خوردن سرنوشت امنیتی و وجودی کشورها در محیط همسایگی و پیرامونی به یکدیگر» قرار دارد. هرگونه ناامنی و تهدید در هر کشور به همسایگان و همجواران جغرافیای سیاسی آن تسری پیدا می‌کند و در این صورت ثبات و پایداری جز رؤیایی دست‌نیافتنی نخواهد بود.

ضعیف بودن فهم متقابل سیاسی و امنیتی بین ایران و کشورهای منطقه: تروریسم و افراط‌گرایی، دولت‌های ضعیف و بحران اقتدار و مداخلات قدرت‌های فرامنطقه‌ای سه چالش امنیتی اصلی در محیط پیرامونی ایران محسوب می‌شوند که با یکدیگر ارتباطی چند بعدی و تنگاتنگ دارند. در این میان، به نظر می‌رسد دولت‌های ضعیف و بحران اقتدار چالشی اساسی‌تر باشد که باعث تحریک دو مؤلفه دیگر یعنی اشاعه تروریسم و افراط‌گرایی و نیز گسترش نفوذ و مداخلات قدرت‌های فرامنطقه‌ای شده است.

نظامی‌گری: نظامی‌گری با منافع قدرت‌های بزرگ پیوند خورده است. برقراری صلح و ثبات برای تولیدکنندگان جنگ‌افزارهای نظامی به معنای کساد و یا رکود اقتصادی است. در پروژة ایران‌هراسی که از سوی کشورها و بازیگران در منطقه و خارج از منطقه پیگیری می‌شود، اینگونه القا می‌شود که قدرت‌بایی جمهوری اسلامی ایران تهدیدی علیه کشورهای منطقه است، و ایران با افزایش نفوذ خود در کشورهایمانند سوریه، عراق و یمن، و گسترش چتر حمایتی خود در منطقه غرب آسیا و خلیج فارس در صدد محاصره دیگر قدرت‌های منطقه از طریق نیروهای شبه‌نظامی است (صالحی، ۱۴۰۰: ۲۱). لذا این کشورها همواره به دنبال تقویت نظامی خود هستند و درآمدهای نفتی باعث خریدهای تسلیحاتی کلان توسط آن‌ها و به نوبه خود زمینه‌ساز و توسعه بحران در منطقه شده است.

۳. راهکارهایی برای پیشبرد سیاست حسن همسایگی

بهبود روابط با همسایگان به عنوان اصلی پایدار در سیاست خارجی: ما همسایگان خود را انتخاب نکرده‌ایم و آن‌ها به جبر تاریخی و جغرافیایی در کنار ما قرار دارند. حسن روابط همسایگی یک انتخاب نیست؛ بلکه یک ضرورت است. بنابراین ایجاد روابط مناسب با همسایگان مبتنی بر احترام و منافع متقابل باید به موضوعی پایدار در دستور کار سیاست خارجی ما تبدیل شود. دولت‌ها عوض می‌شوند، اما جغرافیا تغییر نمی‌کند.

گسترش ارتباطات به تمام سطوح روابط دوجانبه و ایجاد تنوع در روابط: بی‌تردید داشتن مناسبات با کشورهای همسایه در سطوح و حوزه‌های مختلف به‌ویژه «گسترش ارتباطات در حوزه اقتصادی و تجاری» می‌تواند بنیاد محکم‌تری را برای روابط دوجانبه شکل دهد. این امر پیوندهای مردمی را بیشتر کرده و به منافع متقابل می‌انجامد. تنوع‌بخشی در مناسبات دوجانبه و عدم اتکاء به یک یا دو حوزه با سرمایه‌گذاری بر پررنگ‌تر ساختن نقش مشترکات مذهبی، فرهنگی، اقتصادی، امنیتی-سیاسی، می‌تواند گستره همکاری‌ها را گسترش بخشیده و چسبندگی فی‌مابین را نیز دوچندان و زمینه همگرایی بیش‌تر و توسعه مناسبات را فراهم نماید. هرچند همگرایی چه در سطح منطقه‌ای و چه بین‌المللی با مشکلات و موانع روبرو خواهد بود، اما همکاری و همگرایی کشورها در حوزه‌های مذکور با یکدیگر، کشورها را در اداره و تأمین امنیت منطقه به هم نزدیک می‌سازد (متی؛ هادیان، ۱۳۹۹: ۶۸ و ۶۹). بنابراین مزیت نسبی همگرایی و تنوع در همکاری‌های دو یا چندجانبه میان بازیگران منطقه‌ای در تأمین منافع و امنیت ملی برای کشورها همواره محفوظ است.

نگاه درازمدت: نگاه دراز مدت باعث می‌شود روابط با یک بحران کوچک تخریب نشود. داشتن نگاه درازمدت مستلزم گسترش و تعمیق مناسبات با همسایگان به عنوان امری راهبردی است. خط‌ومشی دولت نیز باید امری راهبردی و نه تاکتیکی تلقی شود.

ارتقای فهم و اعتماد متقابل: بی‌اعتمادی مهم‌ترین چالش و مانع کنونی سیاست همسایگی است. هر چند تعاملات اقتصادی و تجاری (تجربه اروپا) می‌تواند گام مهم و اساسی در ارتقای درک و فهم متقابل و بنای اعتماد باشد، شاید گسترش تعاملات امنیتی

بین کشورهای منطقه با توجه به سوءظن‌های موجود بهتر بتواند به پیشبرد سیاست همسایگی کمک کند. لذا سیاست همسایگی نیازمند اعتمادسازی و درک مشترک به ویژه در حوزه‌های امنیت است.

پیوند منافع با همسایگان: جهان امروز، جهان وابستگی‌هاست. منافع سیاسی، اقتصادی، امنیتی کشورها در عین حال که از یکدیگر متمایز و بعضاً متعارضند، اما چنان در هم تنیده شده‌اند که کشورها ناگزیر از تعامل با یکدیگر هستند. اگر مردمان کشورهای همجوار بتوانند همکاری با یکدیگر داشته باشند، بنیاد اجتماعی محکم‌تری برای روابط شکل می‌گیرد. این وضعیت نفع متقابل برای طرفین ایجاد می‌کند. سوآپ انرژی، افزایش تجارت برق، ارتقاء صادرات کالا و خدمات فنی و مهندسی به کشورهای همسایه باید در اولویت قرار گیرد. از دیگر سو، برقراری روابط سیاسی با کشورهای منطقه، و حتی کشورهایی که با فاصله در محیط همسایگی ایران قرار دارند بر تأمین امنیت و به تبع منافع ملی تأثیرگذاری مثبت دارد.

پیوند منافع در چارچوب سازمان‌های منطقه‌ای نیز می‌تواند از پایداری بیشتری برخوردار باشد. امروزه اهمیت دیپلماسی اقتصادی از این جهت بر کسی پوشیده نیست. اولویت‌بندی کشورهای توسعه‌یافته و نوظهور در میان قدرت‌های اقتصادی-سیاسی بر محوریت موضوعات اقتصادی و ارتباط با کشورهای همسایه از طریق دیپلماسی اقتصادی فعال به هدف گسترش توسعه‌گرایی انجام می‌شود (دامن‌پاک جامی، ۱۳۹۷: ۱۰۷).

همکاری در زمینه‌های فنی: تقریباً تمامی اتحادیه‌های موفق (از جمله بنلوکس و جامعه اروپا) همکاری میان کشورهای خود را ابتدا از زمینه‌های فنی و اقتصادی شروع کرده و سپس شاهد سرریز این همکاری‌ها به عرصه‌های دیگر شدند. همکاری‌های اقتصادی و فنی به دلیل حساسیت کم‌تر می‌تواند بستر مناسب‌تری برای توسعه همکاری در سایر حوزه‌ها فراهم نماید. تجربه جامعه/اتحادیه اروپا نشان داد که می‌توان این ظرفیت بالقوه اقتصادی را بالفعل کرد. استفاده از سازوکار تفکیک و شناسایی زمینه‌های همکاری مشترک و برجسته کردن آن‌ها نیز می‌تواند به گسترش همکاری‌ها و رفع چالش‌ها منجر شود.

تقویت زیرساخت‌های ارتباطاتی و حمل و نقلی: یکی از راهکارهای مهم در حوزه اقتصادی که می‌تواند به ارتقاء حسن روابط همسایگی منجر شود، تقویت زیرساخت‌های ارتباطی و حمل و نقلی است. تحقق چنین راهکاری می‌تواند به ارتقاء جریان آزاد کالا، مردم، انرژی، سرمایه و اطلاعات کمک کند و به تجارت و اقتصاد و حتی مبادلات مردمی رونق بخشد. چین با ابتکار یک راه - یک کمر بند موفق شد زمینه تقویت همکاری‌های اقتصادی متقابل نه تنها با همسایگان بلکه با بخشی از جهان را ایجاد کند. ایران قادر است از طریق سرمایه‌گذاری در حوزه حمل و نقل دریایی، ریلی و زیرساخت‌های حمل و نقل جاده‌ای، ظرفیت‌های کریدوری و ترانزیت بین‌المللی را با همکاری همسایگانش ارتقاء بخشد.

اتخاذ روش‌های مسالمت آمیز برای حل و فصل اختلافات: نه تنها باید سازوکارهای دیپلماتیک برای حل و فصل اختلافات با همسایگان ایجاد شود، بلکه با اتخاذ سیاست‌های مناسب باید همسایگان را به این نتیجه رساند که راه حل دیپلماتیک یک راهکار قطعی است. بی‌تردید با توجه به تحولات شتابان جهانی و منازعات درون منطقه‌ای طی دهه‌های گذشته، منطقه تحمل اختلافات و عقب ماندگی‌های بیشتر را ندارد و لذا حل و فصل اختلافات از طریق مسالمت‌آمیز و گفتگو و ائتلاف‌های منطقه‌ای قابل دستیابی است.

استفاده از چارچوب‌های چند جانبه: سازوکارهای منطقه‌ای و چندجانبه یکی دیگر از راهکارها برای توسعه سیاست همسایگی و کاهش حوزه‌های مورد منازعه و یکی سازوکارهای دیپلماتیک برای حل بحران، و برقراری ثبات در منطقه است. لذا می‌توان از چنین قالب‌هایی برای گفتگو و یافتن راه حل‌ها استفاده کرد.

حل اختلافات مرتبط با مرزها: مدیریت مشکلات مرزی، رژیم حقوقی دریاها، رودخانه‌ها و حوضه‌های آبی مشترک، مقابله با تجارت غیرقانونی، حل و فصل مشکلات زیست محیطی و ... تأثیر زیادی بر زندگی مردم و به تبع حسن روابط همسایگی دارد.

توجه به ظرفیت دیپلماسی عمومی و رسانه‌ای: با توجه به اهمیت فضای مجازی و رسانه‌ای در دنیای کنونی، برای پیشبرد سیاست همسایگی نباید تنها به دیپلمات‌ها یا دیپلماسی رسمی متکی بود؛ بلکه باید از ظرفیت‌های دیپلماسی عمومی و رسانه‌ای و

مشارکت نمایندگان گروه‌های اجتماعی و همچنین سمن‌ها نیز بهره برد. این ظرفیت تسهیل‌کننده دیپلماسی رسمی برای پیشبرد سیاست همسایگی است.

ارتباطات دوطرفه دولت‌ها و مردم: دیپلماسی مبتنی بر ارتباطات دوطرفه است و برای فهم اختلافات با همسایگان باید به دیدگاه‌های دولت‌ها و مردم کشورهای همسایه توجه داشت.

حذف عوامل فرامنطقه‌ای: هرچه همکاری میان همسایگان بیشتر باشد، زمینه نفوذ مداخله‌گران و قدرت‌های فرامنطقه‌ای کمتر می‌شود. وابستگی متقابل و چسبندگی در بین کشورهای منطقه امکان همکاری را بیشتر و امکان نفوذ عوامل فرامنطقه‌ای را کاهش می‌دهد. عدم یکپارچگی و نیز ضعف ساختاری کشورهای منطقه و وابستگی آن‌ها به قدرت‌های خارج از منطقه، ضعیف بودن کشورها در تأثیرگذاری بر سیاست‌های بین‌المللی منطقه در قبال کشورهای دیگر، فعال نبودن مشارکت دولت‌ها در تأمین امنیت منطقه، وجود اختلافات مذهبی شدید، بی‌اعتمادی کشورهای منطقه نسبت به سیاست‌های یکدیگر، دخالت عوامل بیگانه و... در طول سالیان موجب شده است که کشورهای منطقه هیچ‌گاه نتوانند با موفقیت و اعتماد به نفس درصدد پیشبرد وضعیت امنیتی و نیز پیگیری منافع و اهداف خود با اتکا به نیرو و توان ملی بدون دخالت بیگانگان باشند.

وجود جو بی‌اعتمادی میان کشورها و عدم تمایل به پیمان‌های منطقه‌ای، زمینه همکاری دوجانبه و یا چندجانبه میان دولت‌ها و واحدهای اقتصادی منطقه را از میان می‌برد. به همین دلیل برخی از کشورهای منطقه برای دستیابی به اهداف منافع و نیز تأمین امنیت خود، به قدرت‌های بزرگ فرامنطقه‌ای متوسل می‌شوند. نتیجه این سیاست ایجاد تنش در روابط دولت‌های منطقه با یکدیگر، افزایش جو بی‌اعتمادی و دخالت فراگیر عامل بیگانه است. ائتلاف‌سازی و ایجاد اعتماد که همان حداکثرسازی همکاری با سایر بازیگران در منطقه است، بهترین راهکار سیاست همسایگی می‌تواند باشد.

۴. الزامات

روشن است که صرف اعلام سیاست حسن همسایگی کافی نیست و باید به الزامات آن نیز توجه داشت. لازم است چند گام اساسی در این خصوص برداشته شود:

۱. قطعاً در پیش گرفتن سیاست حسن همجواری به‌ویژه در شرایط تحریم و فشار همه‌جانبه، یک مزیت راهبردی است. اگر راهبردی بودن چنین سیاستی را فرض بدانیم و بدان باور داشته باشیم حتماً در جهت اجرایی شدن آن گام برمی‌داریم.
۲. باید از موقعیت ژئوپلیتیکی، ژئواستراتژیکی و ژئواکونومیکی کشور به‌طور واقعی بهره ببریم و نگاه ویتروینی بدان نداشته باشیم.
۳. بر اساس سازوکار «تفکیک‌سازی»^۱، حوزه‌های همکاری مشترک با کشورهای همسایه^۲ مشکل‌دار را شناسایی و بر دامنه همکاری‌هایی که از حساسیت کم‌تر برخوردار است بیافزاییم. هم‌زمان سازوکارهای مشترک برای حل و فصل اختلافات منطقه‌ای تعریف و پیگیری کنیم.
۴. هم ایران از بسیاری از ظرفیت‌ها (نظیر ظرفیت‌های فرهنگی، انرژی، ترانزیتی، اقتصادی، علمی و فناوری و دانش‌بنیان، گردشگری مذهبی و سلامت، ظرفیت مذهبی و دینی، ...) برخوردار است و هم کشورهای همسایه از ظرفیت‌های متنوعی برخوردارند که باید بر حسب این ظرفیت‌ها و شرایط هر کشور، از آن‌ها استفاده بهینه کنیم.
۵. جمهوری اسلامی ایران در کنار فرصت‌ها و ظرفیت‌ها، برای پیشبرد سیاست همسایگی با چالش‌های زیادی نیز مواجه است. به هر میزان که از فرصت‌ها و ظرفیت‌ها و اشتراکات استفاده شود و زمینه‌های همکاری مشترک تقویت شود، چالش‌ها کمتر خواهد شد. ضمن آن‌که می‌توان برای رفع برخی چالش‌ها تدابیری نیز اندیشید. حل و فصل اختلافات، به‌ویژه با کشورهای کلیدی منطقه، میوان دبا کاستن از رقابت‌های درون منطقه‌ای، بخشی از چالش‌ها را حل نماید.
۶. به هر میزان چسبندگی و پیوندهای اقتصادی به‌ویژه در حوزه‌های حمل و نقلی و ترانزیتی و انرژی بین ایران و کشورهای منطقه بیشتر شود، به همان میزان از ظرفیت‌ها استفاده شده و از اختلافات کاسته خواهد شد و هم‌زمان زمینه‌های همگرایی نیز افزایش خواهد یافت.

۷. گسترش صادرات در حوزه همسایگی باعث توسعه مناطق مرزی شده و با کاهش شکاف مرکز-پیرامون، می‌تواند به توسعه آن مناطق و ارتقای امنیت و بهبود معیشت و رفاه مرزنشینان منجر گردد.

۸. به انسجام داخلی و به‌ویژه انسجام میان اقوام و مذاهب با توجه به ارتباط آن‌ها با اقوام خود در کشورهای همسایه بیش از پیش باید اهتمام ورزید و بر آن متمرکز شد. این امر یکی از زمینه‌های ایران‌هراسی را از بین برده و با کاهش امکان تجزیه‌طلبی، نفوذ فرهنگی کشورمان را ارتقاء خواهد بخشید.

۹. ۳۰. هویت دینی، ملی و سرزمینی را توأمان پیش ببریم (ایرانیت و اسلامیت). هم عرق ملی و هم عرق دینی ایرانیان بسیار عمیق است و نسبت به هر دو حساسند. این سرمایه را حفظ کنیم. الگوهای ملی، ایرانی و تمدنی را هم‌زمان با ارزش‌های دینی و شیعی پاس بداریم.

۱۰. اعتمادسازی و فهم متقابل با کشورهای همسایه را سرلوحه کار قرار دهیم. برای تقویت سیاست حسن همسایگی، ایران ناگزیر است در بعد امنیتی به دکترین «امنیت دسته جمعی» توجه کند.

۱۱. با تمامیت‌خواهی و یک‌جانبه‌گرایی در منطقه باید مقابله شود و ثبات در کشورهای منطقه باید یک اولویت محسوب گردد. از ملزومات ثبات در منطقه مقابله با فعالیت‌های رژیم صهیونیستی از یک سو و گروه‌های تروریستی و تکفیری از سوی دیگر است.

۱۲. سیاست‌های منطقه‌ای و همسایگی نیازمند یک پیوست فرهنگی - رسانه‌ای است. توجه به افکار عمومی و پیشبرد یک دیپلماسی عمومی هوشمند در منطقه پیرامونی به ویژه با توجه به تهاجم مستمر رسانه‌ای جهان غرب علیه سیاست‌های جمهوری اسلامی ایران، یک ضرورت است.

۱۳. بخش مهمی از چالش‌های سیاست همسایگی ایران در بعد زیست‌محیطی و به ویژه در خصوص آب و کمبود آب است. حل مشکل حق‌آبه آب‌های فرامرزی، ریزگردها و طوفان‌های شن، آلودگی منابع آبی و... نیازمند به کارگیری یک دیپلماسی آب فعال است.

۱۴. سیاست حسن همسایگی نباید به وادادگی در برابر همسایگان و یا به نگاه منفعلانه و مرعوبانه نسبت به آن‌ها منجر شود.



نتیجه‌گیری

در یک جمع‌بندی باید گفت که موقعیت ژئوپلیتیکی، شرایط سیاسی و گفتمان آرمان‌خواهانه جمهوری اسلامی ایران اتخاذ یک سیاست همسایگی هوشمندانه و قدرتمندانه را برای ایران ضروری ساخته است. برای اتخاذ چنین سیاستی ضروری است شناخت دقیقی از ظرفیت‌ها و چالش‌های حوزه همسایگی به دست آید. این ظرفیت‌ها و چالش‌ها متنوع هستند و آن‌چنان با منافع ملی ایران و همسایگان پیوند دارند که به هیچ عنوان نمی‌توان از آن‌ها غافل بود. شناسایی این ظرفیت‌ها و برنامه‌ریزی مدون در ارتباط با آنها، باید حوزه‌های مختلفی را از قدرت نظامی و دفاعی تا دیپلماسی عمومی و استفاده از ابزار قدرت نرم در بر گیرد. مطلوب آن است که برای یک سیاست حسن همسایگی موفق، به جای نگاه صرفاً امنیتی همه ابعاد و جوانب همکاری اعم از سیاسی، اقتصادی، امنیتی و فرهنگی مدنظر قرار گیرد. تمامی ظرفیت‌ها و چالش‌های فرارو می‌بایست احصا شده و برای استفاده بهینه از ظرفیت‌ها و توانمندی‌ها و رفع چالش‌ها برنامه‌ریزی‌های دقیق صورت گیرد. مدیریت صحیح روابط همسایگی برای ایران یک ضرورت راهبردی است. بدین منظور سیزده راهکار در این نوشتار پیشنهاد شده است که باید مورد توجه و اهتمام قرار گیرند. این مدیریت الزاماتی نیز دارد که به چهارده مورد آن در این مقاله اشاره شده است. بدون توجه به این الزامات راهکارها به نتیجه مطلوب نخواهند رسید.

منابع

- احمدی، حمید (۱۳۷۸). قومیت و قوم گرایی در ایران از افسانه تا واقعیت. تهران: نشرنی.
- اختیاری امیری، رضا؛ محمدی، محمدرضا (۱۴۰۰). «تأثیر مناسبات رژیم صهیونیستی با کشورهای حوزه خلیج فارس بر سیاست همسایگی ایران». *فصلنامه سیاست خارجی*. سال سی و پنجم، شماره ۳. ص. ۱۵۰-۱۲۹.
- اکبری، عابد؛ میرمحمدی، مهدی (۱۴۰۰). *سیاست همسایگی جمهوری اسلامی ایران: بایسته‌ها و الزامات*. تهران: انتشارات مؤسسه فرهنگی مطالعات و تحقیقات بین‌المللی ابرار معاصر تهران.
- ایزدی، جهانبخش؛ خادم‌زاده، جواد (۱۳۹۸). «مؤلفه‌های نوین دیپلماسی عمومی مدرن و افزایش قدرت نرم جمهوری اسلامی ایران». *نشریه روابط فرهنگی*. سال پنجم، شماره ۱۱. ص. ۱۷۵-۱۴۳.
- پژوهشکده مطالعات راهبردی (۱۴۰۰). *سال‌نمای امنیت ملی جمهوری اسلامی ایران*. تهران: پژوهشکده مطالعات راهبردی.
- پیشگاهی فرد، زهرا؛ شیراوند، صارم (۱۳۹۷). «تأثیر مؤلفه‌های فرهنگ استراتژیک بر کدهای ژئوپلیتیک اورکرین». *فصلنامه آسیای مرکزی و قفقاز*. شماره ۱۰۲. ص. ۵۷-۳۵.
- توکلی، زهرا؛ بزرگر، کیهان (۱۴۰۰). «دیپلماسی اقتصادی و سیاست همسایگی ایران و ترکمنستان». *فصلنامه مطالعات آسیای مرکزی و قفقاز*. سال بیست‌وهفتم، شماره ۱۱۶. ص. ۲۸-۳.
- جهرمی، سید جواد؛ طاهری فرد، علی (۱۳۸۸). «پیش‌بینی خالص صادرات نفت تا افق (۱۴۰۴)». *مجلس و راهبرد*. شماره ۶۲. ص. ۱۵۴-۱۲۳.
- حافظ‌نیا، محمدرضا (۱۳۸۵). *اصول و مفاهیم ژئوپلیتیک*. مشهد: انتشارات پابلی.
- خداپرست پیرسرایبی، یونس (بی‌تا). «تحولات منطقه‌ای و فرامنطقه‌ای بازارهای انرژی؛ تهدیدهای بالقوه امنیت انرژی ایران». *تدبیر اقتصاد*. ص. ۵۲-۴۱.
- خلیلی، محسن و دیگران (۱۳۹۱). «پیوند کد و ژنوم ژئوپلیتیک در سیاست خارجی (نمونه پژوهی: ترکیه و ایران)». *مطالعات اوراسیای مرکزی*. دوره پنجم، شماره ۱۱. ص. ۵۶-۳۹.
- خلیلی، محسن و دیگران (۱۳۹۲). «پیوند کد و ژنوم ژئوپلیتیک در سیاست خارجی (مطالعه موردی: افغانستان و ایران)». *فصلنامه پژوهش‌های روابط بین‌الملل*. دوره نخست، شماره نهم، ص. ۷۲-۳۷.
- خوجم‌لی، عبدالوهاب (۱۳۹۲). «تبیین موقعیت ژئوپلیتیک ایران». *نگین ایران*. سال دوازدهم، شماره ۴۴. ص. ۸۶-۷۱.
- دامن‌پاک جامی، مرتضی (۱۳۹۷). «تحول دیپلماسی اقتصادی جمهوری اسلامی ایران؛ بررسی دستاوردهای چهاردهم گذشته و چالش‌های پیش‌رو». *فصلنامه سیاست خارجی*. سال سی و دوم، شماره ۴. ص. ۹۱-۱۵۸.

- دلورپور اقدم، مصطفی (۱۴۰۱). پیشران‌های دیپلماسی پارلمانی در تراز انقلاب اسلامی. ناظر علمی: مهدی امیری. تهران: مرکز پژوهش‌ها مجلس شورای اسلامی.
- دیوسالار، مجید (۱۳۸۷). «امنیت ملی و تهدیدهای قومی». پگاه حوزه. شماره ۲۵۱.
- زارع، علی؛ ابراهیمی‌رامندی؛ جمشید (۱۳۹۷). «اصول حقوقی حاکم بر داوری سازمان جهانی مالکیت فکری». فصلنامه تحقیقات حقوق تطبیقی ایران و بین‌الملل. سال یازدهم. شماره چهل و دوم. ص. ۸۱-۱۰۶.
- سیمبر، رضا؛ شیرواند، صارم (۱۳۹۴). «پیوند میان ژنم و کد ژئوپلیتیک در سیاست خارجی (مطالعه موردی: فدراسیون روسیه و گرجستان)». فصلنامه آسیای مرکزی و قفقاز. شماره ۹۲.
- صالحی، مختار (۱۴۰۰). «سیاست همسایگی ایران و رویکرد اتحادیه اروپا». فصلنامه مطالعات بنیادین و کاربردی جهان اسلام. زمستان ۱۴۰۰. سال سوم. شماره ۱۰. ص. ۶-۳۳.
- صباغیان، علی (۱۴۰۰). «مبانی و کارکردهای سیاست همسایگی اروپا؛ درس‌هایی برای سیاست همسایگی ایران». فصلنامه مطالعات بنیادین و کاربردی جهان اسلام. سال سوم. شماره ۱۰. ص. ۸-۵۴.
- صدخسروی، معصومه؛ حبیبزاده؛ توکل (۱۳۹۸). «موانع اصل ۱۳۹ قانون اساسی در مسیر الحاق به موافقت‌نامه تریپس». فصلنامه تحقیقات حقوق تطبیقی ایران و بین‌الملل. سال دوازدهم. شماره چهل و پنجم. ص. ۱۴۶-۱۶۲.
- عبدالله‌خانی، علی (۱۳۸۳). امنیت بین‌الملل ۱: فرصت‌ها، تهدیدات و چالش‌های فراروی امنیت ملی جمهوری اسلامی ایران. تهران: مؤسسه فرهنگی و مطالعات و تحقیقات بین‌الملل ابرار معاصر تهران.
- فاضلی‌نیا، نفیسه (۱۳۸۵). «ژئوپلیتیک شیعه و مسئله امنیت ملی ایران». فصلنامه شیعه‌شناسی. سال چهارم. شماره ۱۳. ص. ۲۱-۳۶.
- فتحی، محمدجواد و دیگران (۱۳۹۷). «پیوند کد و ژنگان ژئوپلیتیک در سیاست خارجی: مطالعه موردی جمهوری اسلامی ایران و عربستان سعودی». فصلنامه پژوهش‌های راهبردی سیاست. سال ششم. شماره ۲۴. ص. ۱۲۵-۱۵۶.
- کریمی، داوود (۱۳۹۵). «ظرفیت‌های دیپلماسی انرژی جمهوری اسلامی ایران در جنگ اقتصادی». نشریه فرهنگ و دانش پدافند غیرعامل. شماره ۲. ص. ۲۸ و ۲۹.
- کریمی، علی؛ مؤذن، محمدهادی (۱۳۸۹). «تنوع فرهنگی و تداوم همزیستی آن‌ها در ایران». فصلنامه مطالعات ملی. سال دوازدهم. شماره ۱. ص. ۲۵-۵۲.
- متقی، ابراهیم؛ پوستین‌چی، زهره (۱۳۸۹). الگو و روند در سیاست خارجی ایران. قم: انتشارات دانشگاه علوم انسانی مفید.
- مجتهدزاده، پیروز (۱۳۷۹). ایده‌های ژئوپولوتیک و واقعیت‌های ایرانی مطالعه روابط جغرافیا و سیاست در جهان دگرگون‌شونده. تهران: نشرنی.

متنی، ایوب؛ هادیان، ناصر (۱۳۹۹). «نقش اشتراکات ایران و عراق در شکل‌گیری همگرایی در حوزه انرژی». فصلنامه سیاست خارجی. سال سی و چهارم. شماره ۳. ص. ۵۱-۷۴.

ناصر جمالزاده و محمد آقایی (۱۳۹۴). «تأثیر ایران هراسی در رقابت تسلیحاتی اعضای شورای همکاری خلیج فارس». پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی. سال ششم. شماره اول، ص ۱۹-۴۷.

نقدی، فرزانه و دیگران (۱۴۰۰). «فرآیند بومی‌سازی شاخص‌های تعاملات بین‌المللی در توسعه اقتصادی ایران». پژوهش‌های جغرافیایی انسانی. دوره ۵۳. شماره ۴. ص. ۱۲۲۹-۱۲۴۷.

- Adebahr, Cornelius (2020). *Europe Needs a Regional Strategy on Iran*. Brussels: Carnegie Europe.
- Dijkink, G (1998). *Geopolitical Codes and Popular Representations*. *Geojournal*. Number 46.
- Gaddis, J.L (1982). *Strategies of Containment: A Critical Appraisal of Postwar American National Security Policy*. New York: Oxford University Press.
- Mamdouh, V.D (1997). *Framing the European Union as a Geopolitical Actor*. Geopolitics. Section 28. University of Amsterdam.
- Uzun, Ezgi (2011). "Iran's Foreign policy in Iraq and Syria After 2011". *Global Relations Forum*. Analysis Paper Series. No.6. 1-35.

